

بنیادگرائی مسیحی

اطلاعات خلاصه

KURZ-INFO

پروژه مسئولین امور مذاهب و جهان بینی ها در
کلیساهای کاتولیک و پروتستان



Evangelische Zentralstelle
für Weltanschauungsfragen

بنیادگرایی مسیحی

این بروشور اطلاعاتی در مورد "بنیادگرایی مسیحی" که یکی از شاخه های افراطی مسیحیت میباشد، در اختیار شما قرار میدهد. این شاخه در آلمان تنها از سوی یک اقلیت کوچک مسیحیان نمایندگی میشود. برای اینکه بتوانید جایگاه این اطلاعات را بدرستی بشناسید، بهتر است ابتدا بدانید که اصولاً نقش مذاهب در آلمان چیست:

دوسوم مردم آلمان عضو یکی از جماعات مذهبی هستند. اکثریت آنها، یعنی نیمی از جمعیت، وابسته به یکی از دو کلیسای بزرگ آلمان میباشد: کلیسای کاتولیک روم و کلیسای پروتستان. علاوه بر این ۵٪ جمعیت را هم مسلمانان تشکیل می دهند که تقریباً همه شان طی دو نسل گذشته بعنوان مهاجر به آلمان آمده اند. کمتر از یک درصد مردم بنیادگرای مسیحی هستند. بسیاری از آنها عضو جماعات مسیحی مستقلی بوده و رابطه ای با کلیساهای بزرگ ندارند. بیشتر این جماعات برای خود و عقایدشان در بین آوارگان و پناهجویان تبلیغ می کنند.

آزادی مذهب یعنی: رقابت بین گروه های گوناگون

در آلمان آزادی مذهب برقرار است. همه مذاهب می توانند مادام که قوانین دولتی را رعایت می کنند، برای خود تبلیغ نموده و زندگی عملی خود را با مذهب خود وفق دهند. به همین دلیل در کنار شاخه های مذهبی بزرگ، بسیاری جماعات کوچک تر نیز وجود دارند، از جمله جماعات گوناگون مسیحی. برخی از آنها بدون هرگونه پنهان کاری در مورد اعتقادات شان صحبت می کنند. برخی شان پیوند تنگاتنگی با کلیساهای بزرگ و همچنین بین همدیگر دارند. اما با وجود این، درک اعتقادات این جماعات برای افرادی که از کشورها و فرهنگهای دیگری به اینجا آمده اند، ساده نیست. برخی گروههای مسیحی هم هستند که با جامعه و با دیگر مسیحیان در تضاد و تنش بسر می برند.

چرا؟

- آنها ارزش هایی را که در جامعه آلمان اعتبار دارند، رعایت نمی کنند. مثلاً با برابری زنان و مردان مخالف اند. یا به اعضای خود اجازه نمی دهند، جماعت را ترک کنند.

- آنها با کلیساهای بزرگ و بین‌همدیگر بر سر درک درست از مسیحیت اختلاف دارند. مثلاً ادعا می‌کنند، کلیساهای بزرگ از انجیل که کتاب مقدس مسیحیان است، درک درستی ندارند. برخی از آنها می‌گویند که تنها مسیحیان راستین آنهایند.

چنین گروه‌هایی همیشه با گشاده رویی در مورد خودشان اطلاعات نمی‌دهند. آنها درگیری‌هایشان را پنهان می‌کنند تا راحت‌تر بتوانند انسان‌ها را جذب کنند.

بنیادگرایی مسیحی چیست؟

اساس بنیادگرایی مسیحی بر این اعتقاد استوار است که انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، به تمامی پرسش‌های مربوط به اخلاق، علوم و سیاست پاسخ می‌گوید و این پاسخ‌ها حقیقت مطلق‌اند. بنیادگرایان می‌گویند که سیاست درست برای کشورشان، قوانین درست دولتی، قواعد زندگی درست خانوادگی، علم راستین و غیره را از درون انجیل برمی‌گیرند. بیشتر مسیحیان چنین درکی از انجیل ندارند. انجیل برای آنها پایه دین‌شان است، نه یک کتاب آموزشی که به همه پرسش‌های جهان پاسخ دهد.

بنیادگرایی مسیحی یک جنبش سیاسی است، زیرا بنیادگرایان می‌کوشند دولت و جامعه را بر پایه آنچه که خودشان قانون انجیل و اراده خداوند می‌خوانند، شکل دهند. آنها علم را هم می‌خواهند تغییر دهند. تقریباً همه‌شان علوم طبیعی و بویژه ایده تکامل را رد می‌کنند. بسیاری از بنیادگرایان ادعا می‌کنند که هیچ‌گونه تغییرات اقلیمی بدست انسان بوجود نیامده است. برخی از بنیادگرایان فرزندان‌شان را به مدارس دولتی نمی‌فرستند. آنها معتقدند که در این مدارس "ضد اخلاق" تدریس می‌شود و به اعتقادات مذهبی‌شان در آنجا احترام گذاشته نمی‌شود.

مبارزه بنیادگرایان با دولت و علم در آلمان نقش مهمی بازی نمی‌کند، زیرا این افراد اقلیت کوچکی بیش نیستند. رفتار این افراد چندان تهاجمی نیست. این افراد بر عکس خود را از محیط اطراف که به اعتقاد آنها محیطی بی‌دین است، منزوی می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا وضعیت بگونه دیگری است. در آنجا بنیادگرایی مسیحی نقش مهمی در سیاست بازی می‌کند.

واژه بنیادگرایی از کجا می آید؟

بین سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۵ میلادی در امریکا نوشته هایی با تیتراژ انگلیسی "The Fundamentals – a Testimony to the Truth" منتشر شد که معنای فارسی آن چنین است: "بنیادها – شهادتی در راه حقیقت". این نوشته ها بوسیله پروتستانهای محافظه کاری تدوین میشدند که نگران زوال دینشان بودند. میلیونها نفر در آن زمان این نوشته ها را میخواندند. در اینجا بود که اصطلاح بنیادگرایی بوجود آمد. از اینرو بنیادگرایی مسیحی با توجه به منشأ آن در واقع یک "بنیادگرایی پروتستان" است. اما ما در این بروشور بطور عام از "بنیادگرایی مسیحی" صحبت میکنیم.

بنیادگرایی: مفهومی مشکل زا

کسی که بخواهد بنیادگرایی مسیحی را درک کند، به سه مشکل برمی خورد:

- نه تنها پروتستان های افراطی بنیادگرا خوانده می شوند، بلکه همینطور هم هندوها، مسلمانان و یهودی ها. در مقابل مسیحیان ارتدوکس و کاتولیک افراطی نیز وجود دارند که اصطلاح بنیادگرا به آنها عمدتاً اطلاق نمی شود. این موضوع باعث سردرگمی می شود. به همین دلیل این بروشور صراحتاً به بنیادگرایی مسیحی می پردازد که منشأ خود را در ایالات متحده امریکا دارد.
- گاهی اوقات واژه های بنیادگرایی، افراطی گری و تروریسم بشکلی بکار گرفته می شوند که این استنباط بوجود می آید که گوئی همه اینها به هم گره خورده اند. این موضوع درست نیست. بنیادگرایان مسیحی البته تقریباً همه شان بلحاظ شخصی انسانهای افراطی ای هستند، اما تقریباً همگی اعمال خشونت را رد نموده و هیچگونه اقدامات تروریستی انجام نمی دهند.
- بنیادگرایان مسیحی اعتقادات مشترکی دارند اما دارای یک سازمان مشترک نیستند. آنها نه یک کلیسا، بلکه یک جنبش هستند و هیچ رهبر روحانی هم ندارند که مورد قبول همه شان باشد. به همین دلیل برخی از آنان افراطی تر از دیگرانند. در میان مسیحیان پروتستان

امکانات متعددی برای گذار از اعتقادات معتدل به بنیادگرایانه وجود دارد. بسیاری از بنیادگرایان با وجود اعتقادات بنیادگرایانه شان بشکلی آرام در درون جامعه آلمان زندگی می کنند.

از جمله جنبش هایی که در آلمان و در سطح بین المللی دارای گرایشات بنیادگرایانه مسیحی هستند، جماعت برادری بین المللی (داریستها) می باشند. بنیانگذار این گروه فردی بریتانیایی به نام جان نلسون داربی بود. بیش از همه، گروه "برادران برگزیده" که نام انگلیسیشان "Exclusive Brethren" می باشد، بنیادگرا هستند. در داخل "کنفرانس تأسیس جماعت (KfG)" نیز گرایشات بنیادگرائی مسیحی وجود دارند. اما KfG سازمان منسجمی نیست و گروههای وابسته به آن مستقل اند.

آیا انجیل فقط یک کتاب قوانین است؟

زمانی که بنیادگرائی مسیحی در بیش از ۱۰۰ سال پیش در امریکا شکل گرفت، خیلی ها تصور می کردند که عقل و علم موجب خواهند شد که مذهب تبدیل به پدیده ای زیادی و بیهوده شود. بسیاری از مسیحیان در مقابل این حرکت مقاومت نشان می دادند. مقاومت برخی به این صورت بود که میگفتند این تنها انجیل است که تعیین می کند چه چیزی عقلانی است و علم راستین کدام است. به همین دلیل در "بیانیه شیکاگو" که در سال ۱۹۷۸ تدوین شده و حاوی تزه‌های اصولی بنیادگرایانه است، در مورد انجیل آمده است که انجیل "در همه آموزش هایش عاری از هرگونه خطا است". این امر نه فقط مشمول آنچه که در انجیل در باره خدا و عیسی مسیح آمده، می شود، بلکه آنچه را که انجیل در باره رفتار خداوند در خلقت و رویدادهای تاریخ جهان گفته است نیز شامل می شود. باین ترتیب انجیل تبدیل به یک کتاب آموزش و قانون با حقیقت مطلق می شود.

برای مسیحیانی که بنیادگرا نیستند انجیل کتاب آموزشی یا کتاب قانون نیست. انجیل از آنچه خداوند انجام داد و انجام می دهد، خبر می هد. پیش از هر چیز انجیل زندگی عیسی مسیح را تعریف می کند. اگر بخواهیم انجیل را تبدیل به یک کتاب آموزشی یا کتاب قانون تبدیل نموده و از آن برای مقابله با علم استفاده کنیم، در حق آن بیعدالتی کرده ایم.

مسیحیان این آزادی را دارند که در مسائل مربوط به سیاست، حقوق و اخلاق بر مبنای وجدان و عقل خود تصمیم‌گیری کنند. در حوزه علمی، مسیحیان آزادند به پژوهش در جهان بپردازند. برای مسیحیان فقط خدا عاری از خطاست. هیچ دانش بشری عاری از خطا نیست، حتی اگر به انجیل ارجاع دهد. به همین دلیل بسیاری از مسیحیان از سنت کلیسایشان پیروی نموده و به این اعتماد می‌کنند که کلیسا تعبیر درستی از انجیل در اختیارشان قرار می‌دهد. آنها قصد ندارند به تنهایی سیاست دولت‌شان را تعیین کنند و خیال دعوا با علم را نیز در سر ندارند.

مشکلات بنیادگرایی در آلمان کدامند؟

- مسیحیان بنیادگرا در آلمان بخشاً در انزوا از اکثریت مردم و حتی از اکثریت مسیحیان زندگی می‌کنند.
- بنیادگرایان هیچ تمایلی به برقراری تفاهم با کسانی که دارای نظرات متفاوتی باشند، ندارند. آنها تمایل به انزوا دارند. چنین است که جماعات بنیادگرا توانائی تماس و گفتگو با دیگران را از دست می‌هند.
- اگر هم طالب تماسی باشند، این کار را با هدف تبلیغ برای اعتقادات خودشان انجام می‌دهند.
- در بسیاری از جماعات بنیادگرا درگیری وجود دارد، زیرا اینها می‌کوشند با انجیل پاسخگوی پرسش‌هایی باشند که پاسخگویی به آنها با انجیل ممکن نیست.
- برخی از مسیحیان زندگی بر اساس یک نظم اکید را که مقرراتش به گمان‌شان بر پایه انجیل تبیین شده، مثبت می‌بینند. اما این افراد باید به این مسائل توجه کنند: این اراده خدا نیست که مسیحیان بدون آزادی زندگی کنند. اراده خدا این است که انسانها در خدمت صلح و تفاهم ادای سهم کنند.

چگونه باید رفتار نمود؟

باید دانست که همه مذاهب حق دارند در اماکن عمومی برای ایده خود تبلیغ کنند. بیشتر گروه‌ها در اینترنت نیز تبلیغ می‌کنند. اما تبلیغ در محدوده خوابگاه‌های پناهندگان برای گروه‌های مذهبی بدون داشتن مجوز ممنوع است. اگر کسی از آنها دعوت نکرده باشد، حق ندارند وارد آپارتمان یا اتاق خصوصی افراد بشوند. آنها حق ندارند روی بچه‌ها بدون اجازه والدینشان تبلیغ کنند. اگر چنین مسئله‌ای رخ دهد، خودتان وارد بحث و درگیری با مبلغین نشوید. با پرخاشگری برخورد نکنید. موضوع را به مسئولین ساختمان یا خوابگاه اطلاع دهید.

چنانچه تمایلی به تماس با آنها ندارید، هرگونه پیشنهاد تماس بعدی را بصورتی مؤدبانه اما با تحکیم رد کنید. اگر مایلید با گروهی آشنا شوید یا چنانچه بخواهید مذهب مسیحی را بهتر بشناسید، تحقیق کنید که آیا این گروه رابطه خوبی با محیط اطرافش دارد یا منزوی است یا اینکه آیا با انسانهای محیط اطرافش در حال دعواست. این پرسش‌ها را فقط از خود افراد آن گروه نپرسید، بلکه از مسیحیان دیگر نیز کسب اطلاع کنید. با کلیسای پروتستان و کلیسای کاتولیک در همه جای آلمان می‌توان تماس گرفت. بعنوان نمونه شما می‌توانید برای جستجو در اینترنت کلمات "Flüchtlingshilfe" (کمک به آوارگان) و "evangelisch" (پروتستان) یا "katholisch" (کاتولیک) را به‌مراه نام شهر خود وارد کنید. در این جستجو سائیتی خواهید یافت که در آنجا بتوانید اطلاعات بیشتری در مورد گروه‌های مذهبی در آن شهر کسب کنید.

ناشر نشر از "مرکز کلیسای پروتستان برای پژوهش مسائل جهان بینی ها" با همکاری کنفرانس "مسئولین اسقف نشین های کاتولیک"، "نمایندگان اسقف نشین های کلیسای کاتولیک رومی در آلمان برای پژوهش جهان بینی ها" و "کنفرانس نمایندگان کلیسای ایالتی عضو کلیسای پروتستان آلمان برای پژوهش مسائل فرقه ها و جهان بینی ها". تألیف دکتر هانس یورگ همینگر.

نویسنده Dr. Hansjörg Hemminger

ترجمه USG Übersetzungs-Service AG

3063 Ittigen (Schweiz)

**Evangelische Zentralstelle für
Weltanschauungsfragen (EZW)**

Auguststraße 80 · 10117 Berlin

Tel. (030) 2 83 95-211 · Fax (030) 2 83 95-212

E-Mail: info@ezw-berlin.de

www.ezw-berlin.de

EZW-Spendenkonto

Evangelische Bank eG · BIC GENODEF1EK1

IBAN DE37 5206 0410 0106 4028 10